



Research Paper

**An Analytical Reflection on Urban Environmental Sustainability in Iran Based on the Supreme Leader's Communicated Directives**

**Ayoub Tayari Doorbash<sup>1</sup> Akbar Heydari Tashekaboud\*<sup>2</sup>**

<sup>1</sup> Department of Persian Language and Literature, University of Urmia, Urmia, Iran.

<sup>2</sup> Department of Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

**Keywords**

Sustainable City,  
Islamic-Iranian City,  
Environmental Policies,  
The Second Step of the  
Islamic Revolution,  
Islamic-Iranian  
Civilization.



**ABSTRACT**

This study aims to examine the concept of urban environmental sustainability in Iranian cities considering the Supreme Leader's communicated policy directives and within the broader framework of the planning system of the Islamic Republic of Iran. The research seeks to elucidate the linkage between the leader's foundational intellectual principles and the practical requirements of urban environmental management. Accordingly, the adopted methodology is based on a descriptive-interpretive analytical approach combined with a policy-oriented meta-analysis of national strategic documents. In this sense, the study is not merely a compilation of data but an interpretive reading of the "strategic logic" embedded in the country's official documents. The data sources consist of a corpus of 45 statements, speeches, and strategic messages delivered by the Supreme Leader between 1986 and 2025, with particular emphasis on three key documents: the "General Environmental Policies" (2015), the "General Policies of Architecture and Urbanism" (2019), and the "Statement on the Second Step of the Revolution" (2018). In the qualitative section, thematic analysis (based on Braun and Clarke's six-phase framework) was applied to extract key themes. In the quantitative section, indicators related to environmental performance, air pollution, per capita urban green space, and the share of renewable urban energy were analyzed and compared against the study's derived conceptual framework. The qualitative findings reveal that the discourse of urban environmental sustainability articulated in the leader's thought is structured around four fundamental pillars: environmental justice and equitable distribution of urban opportunities (32% of themes), consumption reform and resource efficiency (27%), green governance and institutional responsibility of government and municipalities (23%), and environmental culture-building and the moral capital of citizens (18%). The quantitative results indicate that Iran's Environmental Performance Index (EPI) improved from rank 82 in 2010 to 67 in 2023; however, the average per capita urban green space (9.2 m<sup>2</sup>), the share of renewable energy (1.3%), and the concentration of particulate matter (PM<sub>2.5</sub> at approximately 35 µg/m<sup>3</sup>) demonstrate the persistence of ecological instability in several major metropolitan areas. The overall analysis suggests that achieving urban environmental sustainability in Iran requires a transition from sectoral management to integrated urban governance and the institutionalization of justice, ethics, and public participation within policy-making—rooted in Islamic-Iranian normative teachings. This approach aligns closely with the Supreme Leader's directives and provides a conceptual foundation for shaping an Islamic-Iranian model of the sustainable city and advancing the agenda of the New Islamic Civilization.

\*Corresponding Author: Akbar Heydari Tashekaboud

Email Addresses: [Heydariakbar@gmail.com](mailto:Heydariakbar@gmail.com)

Tayari Doorbash, A. and Heydari, A. (2025). An Analytical Reflection on Urban Environmental Sustainability in Iran Based on the Supreme Leader's Communicated Directives. *Human Ecology*, 4(12), 1494-1505.



Doi: <https://doi.org/10.22034/he.2025.560614.1168>



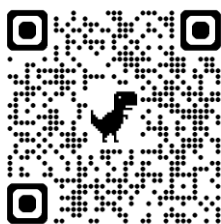
## تأملی بر پایداری محیط زیست شهری در ایران در پرتوی اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری

ایوب طیاری دورباش<sup>۱</sup> اکبر حیدری تاشه کیود\*<sup>۲</sup>

۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.  
۲ گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

### واژگان کلیدی

شهر پایدار، شهر اسلامی -  
ایرانی، سیاست‌های زیست  
محیطی، گام دوم انقلاب  
اسلامی، تمدن اسلامی -  
ایرانی.



### چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی مفهوم پایداری محیط زیست شهری در شهرهای ایران در پرتو سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و در چارچوب نظام برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران، بر آن است تا پیوند میان مبانی اندیشه‌ای رهبری و الزامات اجرایی مدیریت محیط زیست شهری را تبیین کند. بر این اساس، روش تحقیق بکار گرفته شده مبتنی بر تحلیل توصیفی-تفسیری و فراتحلیل سیاستی اسناد بالادستی می‌باشد؛ بدین معنا که پژوهش، نه صرفاً گردآورنده داده‌ها، بلکه بازخواننده‌ی «منطق راهبردی» نهفته در اسناد رسمی کشور است. منابع داده‌ای شامل مجموعه‌ای از ۴۵ بیانیه، سخنرانی و پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۴ با تأکید بر اسناد «سیاست‌های کلی محیط زیست (۱۳۹۴)»، «سیاست‌های کلی معماری و شهرسازی (۱۳۹۸)» و بیانیه «گام دوم انقلاب (۱۳۹۷)» می‌باشد. در بخش کیفی، تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بر اساس الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک برای استخراج مضامین کلیدی به کار گرفته شد؛ و در بخش کمی، داده‌های شاخص عملکرد زیست‌محیطی، آلودگی هوا، سرانه فضای سبز و سهم انرژی‌های تجدیدپذیر شهری تحلیل و با چارچوب مفهومی استخراج شده تطبیق یافت. تحلیل کیفی این اسناد نشان می‌دهد که گفتمان پایداری محیط زیست شهری در اندیشه رهبری بر چهار محور بنیادین عدالت محیطی و توزیع فرصت‌های شهری (۳۲٪ مضامین)، اصلاح الگوی مصرف و بهره‌وری منابع (۲۷٪)، حکمرانی سبز و مسئولیت نهادی دولت و شهرداری‌ها (۲۳٪)، و فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی و سرمایه اخلاقی شهروندان (۱۸٪) استوار است. نتایج کمی پژوهش مبین این نکته می‌باشد که شاخص عملکرد زیست‌محیطی ایران از رتبه ۸۲ در سال ۲۰۱۰ به ۶۷ در سال ۲۰۲۳ ارتقا یافته است، اما میانگین سرانه فضای سبز شهری (۹/۲ مترمربع)، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر (۱/۳٪) و میزان آلودگی ذرات معلق (PM2.5) حدود ۳۵ میکروگرم بر مترمکعب) بیانگر تداوم ناپایداری اکولوژیکی در شماری از کلان شهرهای کشور می‌باشد. برآیند تحلیل‌ها نشان می‌دهد که تحقق پایداری محیط زیست شهری در ایران مستلزم گذار از مدیریت بخشی به حکمرانی یکپارچه شهری و نهادینه‌سازی اصول عدالت، اخلاق و مشارکت در سیاست‌گذاری بر اساس آموزه‌های اسلامی- ایرانی است؛ رویکردی که با منویات رهبری در اسناد ابلاغی همسو بوده و می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی اسلامی- ایرانی شهر پایدار و تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

## ۱. مقدمه

پایداری محیط زیست شهری در قرن بیست و یکم به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت ملی، سلامت اجتماعی و حکمرانی شهری تبدیل شده است. بر اساس گزارش برنامه توسعه ملل متحد (UNDP, 2003)، بیش از ۵۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و تا سال ۲۰۵۰ این نسبت به ۶۸ درصد خواهد رسید؛ در نتیجه، شهرها به کانون اصلی تولید آلودگی، مصرف منابع و تغییرات اقلیمی بدل شده‌اند. در ایران نیز روند رشد شهرنشینی از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۵ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). این رشد شتابان، همراه با ضعف در سیاست‌گذاری محیط زیست شهری، سبب افزایش چالش‌هایی چون آلودگی هوا، تخریب فضاهای سبز، ناپایداری منابع آب، بحران پسماند، و گسترش حاشیه‌نشینی شده است (سازمان محیط زیست کشور، ۱۴۰۲).

در دهه‌های اخیر، الگوی جهانی «توسعه پایدار شهری» بر مبنای اهداف توسعه هزاره (MDGs) و سپس اهداف توسعه پایدار (SDGs) (United Nations, 2030) به ویژه هدف ۱۱: شهرها و جوامع پایدار، به چارچوبی جهانی برای سیاست‌گذاری تبدیل شده است (United Nations, 2015). با وجود این، بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رویکردهای جهانی غالباً مبتنی بر مدل‌های اقتصادمحور و تکنوکراتیک بوده و در جوامع غیر غربی، به‌ویژه کشورهای اسلامی، در دستیابی به عدالت محیطی و همبستگی اجتماعی در سال‌های اخیر در سایه نبود الگوهای مدون با ماهیت اسلامی، ناکامی‌های اتفاق افتاده است (Sachs, 2015; Sardar, 2024; Carmona, 2022). در چنین بستری، ضرورت بازخوانی پایداری محیط زیست شهری از منظر گفتمان اسلامی-ایرانی و بر اساس اندیشه‌های رهبری جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش آشکار می‌شود.

در ایران، سیاست‌های کلی نظام در امور محیط زیست (۱۳۹۴) که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد، نخستین سند جامع راهبردی است که محیط زیست را نه صرفاً یک موضوع بخشی، بلکه عنصری فراگیر در امنیت ملی، سلامت اجتماعی، و تمدن‌سازی اسلامی معرفی می‌کند. در این سند، اصولی همچون «مدیریت جامع و هماهنگ منابع»، «پیشگیری از تخریب محیط زیست»، «عدالت بین‌نسلی در بهره‌برداری از منابع»، و «تقویت مشارکت مردمی و نهادهای محلی» به‌عنوان ارکان سیاست‌گذاری زیست‌محیطی مطرح شده‌اند. همچنین در سیاست‌های کلی شهرسازی و معماری (۱۳۹۸)، توسعه شهری با حفظ هویت فرهنگی، تعادل اکولوژیکی، و بهره‌وری منابع طبیعی در ارتباط مستقیم قرار گرفته است. رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۷ اسفند ۱۳۹۶ به مناسبت «روز درختکاری» تأکید کردند که «تخریب محیط زیست، خیانت به نسل‌های آینده و تجاوز به حقوق عمومی است» (دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۹۶). این بیان نشان‌دهنده پیوند میان اخلاق دینی، عدالت محیطی و مسئولیت اجتماعی در اندیشه معظم‌له می‌باشد (طیاری دورباش و حیدری، ۱۴۰۴). از منظر نظری، پایداری محیط زیست شهری در گفتمان رهبری دارای سه بُعد کلیدی است:

۱. عدالت محیطی و توزیع متوازن فرصت‌های زیست‌پذیر شهری.

۲. مدیریت پایدار منابع طبیعی و اصلاح الگوی مصرف.

۳. فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی در بستر ارزش‌های اسلامی و مسئولیت اخلاقی شهروندان.

بررسی اسناد رسمی کشور نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود این چارچوب روشن، شکاف میان اهداف سیاستی و واقعیت اجرایی همچنان مشخص و محرز است. شاخص عملکرد زیست‌محیطی ایران که توسط دانشگاه ییل منتشر می‌شود، گرچه از رتبه ۸۲ در سال ۲۰۱۰ به ۶۷ در سال ۲۰۲۳ بهبود یافته است (Yale, 2023)، اما همچنان از میانگین منطقه‌ای کشورهای با درآمد متوسط پایین‌تر است. همچنین سرانه فضای سبز شهری در کلان‌شهرهای ایران کمتر از ۱۰ مترمربع است، در حالی که استاندارد سازمان جهانی بهداشت ۱۵ تا ۲۰ مترمربع می‌باشد. افزون بر این، بر اساس داده‌های شرکت توانیر (۱۴۰۲)، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تولید برق شهری تنها ۱/۳ درصد است، که با اهداف سند ملی انرژی پاک (۱۴۱۰) فاصله چشمگیری دارد.

در بُعد فرهنگی نیز پژوهش‌های جدید داخلی (طیاری دورباش و همکاران، ۱۴۰۴؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۲؛ نادری، ۱۴۰۱) نشان داده‌اند که ضعف آگاهی زیست‌محیطی، رفتارهای مصرف‌گرایانه، و نبود مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری شهری، از عوامل اصلی تداوم ناپایداری زیست‌محیطی در ایران هستند. از سوی دیگر، مطالعات بین‌المللی (UN Habitation, 2002; McPhearson et al, 2023) تأکید می‌کنند که موفقیت سیاست‌های زیست‌محیطی در گروهی تلفیق بینش اخلاقی، حکمرانی چند سطحی، و توانمندسازی جوامع محلی است. این عناصر، دقیقاً در اسناد ابلاغی رهبری به ویژه در بندهای ۵، ۶ و ۸ «سیاست‌های کلی محیط زیست» برجسته شده‌اند.

پایداری محیط زیست شهری در ایران واجد ابعادی چندلایه است که از سطوح کالبدی و اکولوژیکی تا فرهنگی، نهادی و اخلاقی امتداد می‌یابد. در بُعد کالبدی و اکولوژیکی، چالش‌هایی چون آلودگی هوا، کاهش کیفیت زیست، بحران پسماند، فرسایش خاک و کمبود فضای سبز در کلان‌شهرها، نشان‌دهنده ضعف در مدیریت منابع طبیعی در چارچوب شهرسازی مدرن است. در بُعد نهادی و سیاستی، تداخل

وظایف سازمان‌ها، نبود هماهنگی میان شهرداری‌ها، وزارت نیرو و سازمان حفاظت محیط زیست، و نبود سازوکار ارزیابی یکپارچه، مانع از تحقق رویکرد پیشگیرانه در حکمرانی زیست‌محیطی شده است (World Bank, 2023). در بُعد فرهنگی و رفتاری، نهادینه نشدن مسئولیت اخلاقی شهروندان در قبال محیط زیست شهری، مصرف‌گرایی، و بی‌توجهی به عدالت محیطی، چرخه ناپایداری را بازتولید می‌کند (Naderi, 2021; Hosseini et al, 2022).

در چنین شرایطی، اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری چارچوبی نوین برای درک و مدیریت پایداری محیط زیست شهری ارائه می‌دهند که ماهیتی اخلاقی‌محور، عدالت‌مدار و مشارکت‌پذیر دارد. سیاست‌های کلی محیط زیست (۱۳۹۴) بر «مدیریت یکپارچه و هماهنگ منابع طبیعی و زیستی»، «توسعه اقتصاد سبز و کم‌کربن»، و «گسترش آموزش و فرهنگ عمومی محیط زیست» تأکید دارد؛ در حالی که سیاست‌های کلی معماری و شهرسازی (۱۳۹۸) پیوند میان کالبد شهر و زیست‌پذیری محیطی را در چارچوب «الگوی اسلامی-ایرانی شهر» بازتعریف می‌کند. افزون بر این، بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷) با تأکید بر علم، اخلاق و عدالت، مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی را از رهگذر ارتقای فرهنگ و دانش زیست‌محیطی ترسیم می‌نماید. از این رو، مطالعه پایداری محیط زیست شهری در پرتو این اسناد، در واقع واکاوی «جهت‌گیری تمدنی توسعه شهری» از منظر سیاست‌گذاری اسلامی-ایرانی است.

بیان مسئله اصلی پژوهش از اینجا ناشی می‌شود که علی‌رغم وجود چارچوب‌های سیاستی منسجم در اسناد ابلاغی، هنوز شکاف عمیقی میان اهداف اعلامی معظم له و وضعیت واقعی پایداری محیط زیست شهری در ایران وجود دارد. شهرهای بزرگ کشور همچون تهران، اصفهان، مشهد و تبریز با چالش‌های مزمن آلودگی هوا، کمبود فضای سبز، فرسایش منابع آب و خاک و مصرف نامتوازن انرژی مواجه‌اند. از سوی دیگر، شاخص‌های ملی توسعه زیست محیطی (EPI) و شاخص کیفیت زندگی شهری (UQI) در ایران هنوز با استانداردهای منطقه‌ای فاصله دارند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش، به ارزیابی تطبیقی میان گفتمان اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری و شاخص‌های کمی پایداری محیط زیست شهری ایران می‌پردازد. برای این منظور، دو مسیر تحلیلی به صورت مکمل دنبال می‌شود: ۱. تحلیل کیفی مضمون‌محور برای استخراج مضامین اصلی گفتمان پایداری در اسناد رهبری (عدالت محیطی، اصلاح الگوی مصرف، حکمرانی سبز، و فرهنگ‌سازی).

۲. تحلیل کمی تطبیقی با استفاده از شاخص‌های واقعی (EPI، PM2.5، سرانه فضای سبز، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر برای سنجش میزان هم‌پوشانی یا شکاف میان سیاست و عمل).

در نهایت، انتظار می‌رود نتایج این پژوهش نه تنها به درک عمیق‌تر از منطق راهبردی اسناد ابلاغی رهبری در حوزه محیط زیست منجر شود، بلکه به عنوان پایه نظری و تحلیلی برای بازنگری در سیاست‌های شهری، آموزشی و فرهنگی کشور نیز به کار گرفته شود. چنین رویکردی می‌تواند مسیر تبدیل «پایداری شهری» از یک دستور کار فنی و مدیریتی به یک پروژه تمدنی عدالت‌محور و اخلاق پایه را در ایران فراهم سازد.

## ۲. مبانی نظری

پایداری محیط زیست شهری به مثابه یک مفهوم میان‌رشته‌ای و فراگیر، بر مفاهیم «اکولوژی شهری»، «عدالت اجتماعی»، «اقتصاد کم‌کربن» و «حکمرانی چندسطحی» استوار است. سرآغاز نظری این بحث معمولاً به گزارش «آینده مشترک ما» (WCED, 1987) ارجاع داده می‌شود که در آن، توسعه پایدار به مثابه پاسخ به بحران‌های هم‌زمان تخریب منابع، نابرابری و رشد اقتصادی تعریف شد. در ادبیات معاصر شهر و برنامه‌ریزی، پایداری شهری از سطح کنترل آلودگی و خدمات سبز، عبور کرده و به سطح هنجاری-ارزشی «حق به شهر زیست‌پذیر»، «عدالت محیطی» و «مسئولیت‌پذیری بین‌نسلی» ارتقا یافته است (UN-Habitat, 2022).

این تحول با صورت‌بندی‌های تازه‌ای مانند شهر تاب‌آور در برابر تغییرات اقلیم، شهر کم‌کربن، اقتصاد چرخشی، راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت (NBS)، زیرساخت سبز-آبی و کربن‌زدایی سامانه حمل‌ونقل عمومی پیوند خورده است (IPCC AR6, 2023; OECD, 2022; McPhearson et al., 2023).

در کنار جریان غالب جهانی، سنت نظری عدالت محیطی که از دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده آمریکا سربرآورد، تبعیض‌های فضایی-زیست‌محیطی را در معرض نقد قرار داد: جوامع کم‌درآمد یا حاشیه‌ای بیش از دیگران بار آلودگی را تحمل می‌کنند، در حالی که کمترین بهره را از منافع توسعه می‌برند (Agyeman, 2019). این دیدگاه با «حق به شهر» در سنت لوفوری هم‌پوشانی دارد و به‌ویژه در کلان‌شهرها، به شاخص‌هایی مانند دسترسی عادلانه به فضای سبز، کیفیت هوا، آب سالم، سکونتگاه ایمن و حمل‌ونقل عمومی پاک ترجمه می‌شود (Carmona, 2021). به موازات این خط، ادبیات «حکمرانی سبز» بر کنش جمعی میان دولت، شهرداری، بخش خصوصی و

جامعه مدنی تأکید می‌کند و برای گذار از پارادایم «فرماندهی-کنترل» به «تنظیم‌گری هوشمند»، مشارکت شهروندان و پاسخ‌گویی نهادی را پیش شرط می‌داند (Kemp et al, 2020).

در ایران، پایداری محیط زیست شهری افزون بر این بنیان‌های نظری، پشتوانه‌ای هنجاری-دینی دارد که آن را از الگوهای صرفاً تکنوکراتیک متمایز می‌کند. در جهان بینی اسلامی، زمین «امانت» است و انسان «خلیفه»؛ تخریب طبیعت، نقض حق عمومی و سلب فرصت از آیندگان تلقی می‌شود: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۵۶). این بنیان معرفتی، اخلاق زیست‌محیطی را به هسته سخت پایداری ارتقا می‌دهد و «عدالت بین‌نسلی» را از سطح گزاره‌ای فنی به اصل ارزشی تبدیل می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹؛ سوزنچی، ۱۳۹۸؛ Sardar, 2024).

همین مینا در سیاست‌های کلی محیط‌زیست ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۹۴) و سیاست‌های کلی معماری و شهرسازی (۱۳۹۸) و نیز در بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷) به زبان سیاستی-عملیاتی تبیین شده است: مدیریت جامع و هماهنگ منابع با رویکرد آمایش، پیشگیری به‌جای درمان، اقتصاد سبز و کم‌کربن، عدالت بین‌نسلی، و فرهنگ‌سازی و مشارکت‌پذیری اجتماعی. در این چارچوب، شهر پایداری ایرانی-اسلامی صرفاً شهر «کم‌آلاینده» نیست؛ شهر «عادلان» است که در آن، توزیع مزایا و مخاطرات زیست‌محیطی عادلانه، اقتصاد دانش‌بنیان سبز پشتیبان، و حکمرانی مشارکتی ضامن بازتولید پایداری است. از منظر نظریه‌های گذار، دستیابی به پایداری شهری نیازمند گذار جامعه فناورانه (Socio Technical Transition) است؛ یعنی تغییر هم‌زمان در فناوری، هنجارها، قوانین و مدل‌های کسب‌وکار (Geels, MPL) در شهرهای ایران، چنین گذاری در سه جبهه معنا می‌یابد: کربن‌زدایی سیستم انرژی و حمل‌ونقل (برقی‌سازی ناوگان، TOD، ارتقای بهره‌وری ساختمان‌ها)، اقتصاد چرخشی شهری (کاهش باز استفاده بازیافت پسماند، آب خاکستری، بازیافت حرارت)، و راه‌حل‌های مبتنی بر طبیعت (کریدورهای سبز-آبی، بام/دیوار سبز، جنگل‌کاری شهری برای جذب کربن و تعدیل جزیره حرارتی). این بسته سیاستی اگر با «حکمرانی پلی‌سنتر» به سبک اوستروم (Polycentric Governance) ادغام شود یعنی تقسیم کار روشن و شبکه‌ای میان شهرداری، شرکت‌های خدمات شهری، سازمان محیط‌زیست، بخش خصوصی و نهادهای محلی از چرخه «مسئولیت‌گریزی نهادی» می‌کاهد و هزینه‌های هماهنگی را پایین می‌آورد (Ostrom, 2010; OECD, 2022).

در ادبیات خارجی هم روزآمد، رویکرد خدمات اکوسیستمی شهر (Urban Ecosystem Services) چارچوبی کمی برای ارزش‌گذاری مزایای طبیعت در شهر ارائه می‌کند (از تنظیم ریزاقلیم و کاهش PM2.5 تا ارتقای سلامت روان، افزایش تعاملات اجتماعی و ارزش زمین). این رویکرد به طور مستقیم با عدالت محیطی پیوند دارد؛ زیرا کم‌برخوردارترین محلات عموماً کمترین دسترسی به خدمات اکوسیستمی و بیشترین بار آلودگی را دارند (McPhearson et al, 2023; WHO, 2022). در اینجا، معیارهایی مثل نسبت جمعیت دارای دسترسی پیاده‌رو ۳۰۰ متری به فضای سبز باکیفیت، یا سهم سفرهای پاک (پیاده/دوچرخه/حمل‌ونقل عمومی) از کل سفرها، یا شدت انتشار معادل CO<sub>2</sub> در هر نفر-کیلومتر، قابلیت عملیاتی شدن در سطوح طرح جامع-تفصیلی پیدا می‌کنند (UN Habitat, 2023; Carmona, 2021).

در پیشینه داخلی، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها فنی-شاخص‌محور بوده‌اند: سنجش کیفیت هوا، مدل‌سازی آلودگی، برآورد سرانه فضای سبز، یا تحلیل مکانی-فضایی عدالت زیست‌محیطی در کلان‌شهرها (برای نمونه: رضایی و همکاران، ۱۳۹۹؛ نادری، ۱۴۰۱؛ قلی‌پور، ۱۳۹۸). این دسته، اگرچه داده‌محور و مفیدند، اما غالباً به لایه هنجاری-سیاستی کمتر ورود می‌کنند و نسبت «شاخص-سیاست» را به‌صورت نظام‌مند نمی‌سنجند. گروه دیگری از مطالعات، گفتمانی-سیاستی هستند: تحلیل محتوای اسناد ملی، سیر تطور راهبردهای محیط‌زیستی، یا بررسی درون‌مایه‌های عدالت و اخلاق در متون راهبردی (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲). این دسته، قوت نظری دارند اما کمتر با سنجه‌های کمی شهری «اعتبارسنجی» شده‌اند. در ادبیات جهانی نیز شکاف مشابهی دیده می‌شود: بخش زیادی از آثار، یا معطوف به فناوری/زیرساخت و کربن‌زدایی‌اند، یا صرفاً به اخلاق و عدالت می‌پردازند؛ ادغام روش‌مند این دو سپهر در مقیاس شهر ایرانی کمتر رخ داده است (Agyeman, 2019؛ Sardar, 2024 و Sachs, 2015). بر بنیاد همین شکاف، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که پایداری محیط زیست شهری در ایران باید با یک چارچوب پیوسته سه‌لایه دیده شود: لایه هنجاری-ارزشی (عدالت بین‌نسلی، امانت‌داری محیط زیست، مسئولیت اجتماعی)، لایه حکمرانی-نهادی (پلی‌سنتر، تنظیم‌گری هوشمند، مشارکت شهروندی و نظارت عمومی)، و لایه فنی-اجرایی (اقتصاد چرخشی، کربن‌زدایی حمل‌ونقل و ساختمان). این سه لایه در اسناد ابلاغی رهبری حاضرند اما برای ارزیابی کارآمد، باید به سنجه‌های قابل اندازه‌گیری شهری متصل شوند. از این‌رو، ادغام «تحلیل مضمون اسناد ابلاغی» با «پانل شاخص‌های کمی شهری» مانند EPI شهری/ملی، PM2.5، سرانه فضای سبز، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر، سهم سفرهای پاک، شدت انرژی بخش ساختمان ضروری است (WHO, 2022؛ Yale EPI, 2022).

از چشم‌انداز ایرانی-اسلامی، بُعد فرهنگی نقش مضاعفی دارد: بدون تغییر الگوهای مصرف، اخلاق حرفه‌ای مدیریت شهری و حکمرانی داده‌محور، فناوری به‌تنهایی کفایت نمی‌کند. ادبیات «گذار فرهنگی به پایداری» نشان می‌دهد که مداخلات رفتاری (نظام تعرفه‌گذاری هوشمند آب و انرژی، اطلاع‌رسانی بی‌درنگ مصرف، کمپین‌های عمومی، سواد اقلیمی در مدرسه/مسجد/رسانه) مکمل اصلاحات نهادی‌اند. در اینجا، ظرفیت نهادهای محلی، اسلامی-دینی برای تولید سرمایه اجتماعی سبز در ایران یک مزیت نسبی است که در الگوهای سکولار کمتر دیده می‌شود و می‌تواند هزینه‌های گذار را کاهش دهد (Sardar, 2024). پرسش ماندگار در ادبیات، نسبت میان «رشد شهری» و «کیفیت محیط» است. منحنی معروف کوزتس محیط‌زیست (EKC) hypothesize می‌کند که آلودگی ابتدا با رشد بالا می‌رود و سپس با رسیدن به سطحی از درآمد و فناوری، کاهش می‌یابد؛ اما شواهد جدید این قاعده را تعمیم‌پذیر نمی‌دانند و بر ناگسستگی (decoupling) مشروط و سیاست‌وابسته تأکید می‌کنند (OECD, 2022). در ایران، با توجه به ساختار انرژی، یارانه سوخت، الگوی سفر شهری و فرسودگی ناوگان، «کاهش شدت انتشار در واحد تولید/سفر» بدون اصلاح نهادی و قیمتی پایدار نمی‌شود. بنابراین، پیوند «عدالت» و «پایداری» تنها یک شعار اخلاقی نیست؛ شرط کارایی سیاست‌های کاهش انتشار است: اگر گزینه‌های حمل‌ونقل پاک و انرژی کارآمد برای دهک‌های پایین دسترس‌پذیر نباشد، سیاست‌های سبز به‌واسطه نابرابری شکست می‌خورند (UN- Habitat, 2023).

از نظر روشی، ادبیات نوین بر اعتبارسنجی متقابلِ گفتمان-شاخص تأکید دارد. مفاهیم هنجاری باید به نشانگرهای عملیاتی ترجمه شوند و بالعکس، داده‌های شهری باید با آرمان‌ها و اسناد بالادستی سنجیده شوند. پژوهش حاضر به لحاظ روش شناسی نخست، تحلیل مضمون اسناد ابلاغی رهبری برای استخراج خوشه‌های مفهومی (عدالت محیطی، اصلاح الگوی مصرف، حکمرانی سبز، فرهنگ‌سازی) را مد نظر قرار داده، سپس، سنجش تجربی هم‌پوشانی یا شکاف این خوشه‌ها را با شاخص‌های کمی منتخب در شهرهای ایران، مورد بررسی قرار داده است. بدین ترتیب، نسبت «سیاست-عمل» با شواهد داده‌محور صورت‌بندی می‌شود و زمینه برای طراحی مدل حکمرانی یکپارچه شهری همسو با اسناد ابلاغی فراهم می‌گردد (Heydari & Bakhtar, 2018; Heydari et al, 2025).

مرور پیشینه نشان می‌دهد که در ایران، آثار شاخصی به سنجش زیست‌پذیری، عدالت فضایی و کیفیت محیط پرداخته‌اند (مثلاً طیاری دورباش و همکاران، ۱۴۰۴؛ نادری، ۱۴۰۱؛ قلی‌پور، ۱۳۹۸؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۲) و در سطح بین‌الملل، بدنه‌ای غنی پیرامون، اقتصاد چرخشی، و حکمرانی چند سطحی وجود دارد. با این‌همه، ادغام نظام‌مندِ گفتمان سیاستی رهبری با سنجش‌های کمی شهری هنوز به صورت مدل‌مند انجام نشده است. این خلأ، به ویژه در سطح عملیاتی‌سازی عدالت محیطی شهری و ترجمان اخلاق زیست محیطی به رهنمودهای طرح و بودجه محسوس است؛ مثلاً معیارهای تخصیص اعتبارات شهرداری/دولت به محلات کم‌برخوردار بر پایه «شاخص محرومیت محیطی» یا «بار آلودگی» هنوز تثبیت نشده است. همچنین پیوند «اقتصاد دانش‌بنیان سبز» با برنامه‌های پروژه محور شهری (از استارت‌آپ‌های انرژی-آب تا بازیافت هوشمند) نیازمند صورت‌بندی سیاستی روشن‌تری است. برآیند این مباحث، جایگاه نظری پژوهش حاضر را متمایز می‌کند: اولاً، پایداری شهری در ایران را بر مدار عدالت-اخلاق-حکمرانی (سه‌گانه هنجاری-نهادی-فنی) مستقر می‌کند؛ ثانیاً، با روش دوگانه‌ی گفتمان-شاخص، نسبت سیاست-عمل را به صورت تجربی می‌سنجد؛ ثالثاً، خروجی قابل‌تصمیم شامل چارچوب مفهومی بومی-اسلامی، پانل شاخص‌های ارزیابی عدالت محیطی شهری و طرح اولیه مدل حکمرانی یکپارچه زیست‌محیطی شهری را ارائه می‌کند تا از سطح توصیه‌های کلی فراتر رود و ابزار عملیاتی در اختیار مدیران شهری، شورای شهر و دستگاه‌های ملی قرار دهد. و چو تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- (۱) نوآوری مفهومی: ارتقای اخلاق زیست‌محیطی اسلامی و عدالت بین‌نسلی از سطح شعار به معیار ارزیابی سیاست شهری؛
- (۲) نوآوری روش‌شناختی: ادغام تحلیل مضمون اسناد ابلاغی رهبری با سنجش کمی شاخص‌های شهری؛
- (۳) نوآوری کاربردی: نوآوری کاربردی پیشنهاد سید سیاست‌های هم‌پیوند NBS، اقتصاد چرخشی، کربن‌زدایی حمل‌ونقل/ساختمان (در چارچوب حکمرانی پلی‌سنتر و تنظیم‌گری هوشمند، همراه با معیارهای تخصیص عادلانه منابع درون‌شهری)؛
- (۴) نوآوری بومی‌سازی: تبدیل اسناد ابلاغی به «زبان شاخص» و «زبان پروژه» در مقیاس طرح‌های جامع-تفصیلی و برنامه‌های بودجه‌ای شهرداری‌ها.

### ۳. مواد و روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) است و درصدد است تا ضمن واکاوی محتوای اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری، میزان انطباق گفتمان سیاستی ایشان در حوزه محیط زیست با شاخص‌های کمی پایداری شهری در ایران را ارزیابی کند. در این راستا، دو مسیر روش‌شناختی مکمل مورد استفاده قرار گرفته است: نخست، تحلیل گفتمان و مضمون‌یابی اسناد رسمی؛ دوم، تحلیل داده‌های کمی و شاخص‌های تجربی مرتبط با محیط زیست شهری. در بخش کیفی، از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis)

بر اساس الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) بهره گرفته شد. هدف از این مرحله، کشف مضامین کلیدی در گفتمان پایداری شهری از منظر مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی مرتبط است. جامعه متنی پژوهش شامل ۴۵ بیانیه، سخنرانی، پیام و سند رسمی از سال ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۴ بوده که از میان آن‌ها سه سند محوری انتخاب گردید:

۱. سیاست‌های کلی ابلاغی محیط زیست توسط مقام معظم رهبری (۱۳۹۴).
  ۲. سیاست‌های کلی معماری و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸).
  ۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۷).
- فرآیند تحلیل مضمون در شش گام انجام شد:
۱. آشنایی و خوانش تکرار شونده متون،
  ۲. تولید کدهای اولیه،
  ۳. شناسایی الگوهای معنایی،
  ۴. پالایش و مضامین،
  ۵. تعریف و نام گذاری نهایی مضامین،
  ۶. گزارش نویسی و تفسیر نتایج.

در این مرحله، ۱۲۷ کد اولیه استخراج شد که پس از پالایش و ادغام در قالب چهار مضمون اصلی طبقه‌بندی گردید:

- عدالت محیطی و توزیع فرصت‌های زیست‌پذیر شهری،
- اصلاح الگوی مصرف و ارتقای بهره‌وری منابع،
- حکمرانی سبز و مسئولیت نهادی،
- فرهنگ‌سازی زیست محیطی و سرمایه اخلاقی شهروندان.

اعتبار درونی تحلیل کیفی از طریق هم‌کدی (Inter-coder Agreement) بین دو پژوهشگر مستقل بررسی شد و ضریب توافق ۹۱ درصدی، پایایی و انسجام داده‌ها را تأیید نمود. برای افزایش عمق معنا، تحلیل گفتمان ثانویه نیز به کار رفت تا شبکه معنایی کلید واژه‌های تکرار شونده مانند «عدالت»، «امانت»، «اصلاح»، «مردمی‌سازی» و «مسئولیت» در گفتارهای رهبری ترسیم گردد. در بخش کمی، پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل ثانویه داده‌ها (Secondary Data Analysis) به بررسی روند شاخص‌های واقعی پایداری محیط زیست شهری در ایران پرداخت. داده‌ها از منابع معتبر ملی و بین‌المللی گردآوری شد؛ از جمله:

- شاخص عملکرد زیست محیطی (دانشگاه ییل، ۲۰۲۳-۲۰۱۰).
- شاخص آلودگی هوا یا PM2.5 (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۲).
- سرانه فضای سبز شهری (آمارنامه رسمی شهرداری‌ها، ۱۴۰۲).
- سهم انرژی‌های تجدید پذیر در تولید برق شهری (وزارت نیرو و توانیر، ۱۴۰۲).
- شاخص شدت انرژی در بخش ساختمان و حمل‌ونقل (IEA, 2023).

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel و به روش مقایسه تطبیقی شاخص‌ها انجام گرفت. برای هم‌سنجی داده‌ها، روند تغییرات ایران در فاصله‌ی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ با اهداف اعلام‌شده در اسناد مقام معظم رهبری مقایسه شد. علاوه بر میانگین‌گیری ملی، تحلیل مکانی برای شش کلان‌شهر اصلی (تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و سندج) نیز صورت گرفت تا ناهمگنی فضایی مشخص شود. به منظور ترکیب نتایج دو بخش کیفی و کمی، از روش تلفیق داده‌ها استفاده گردید. در این رویکرد، یافته‌های کیفی (مضامین چهارگانه) مبنای انتخاب شاخص‌های کمی قرار گرفت و نتایج کمی نیز به منزله‌ی ابزار اعتبارسنجی یافته‌های کیفی به کار رفت. حاصل این تلفیق، تدوین یک چارچوب تحلیلی سه‌سطحی بومی-اسلامی بود که شامل لایه‌های هنجاری، نهادی و فنی پایداری محیط زیست شهری می‌باشد. روایی بیرونی پژوهش از طریق مقایسه با داده‌های جهانی بانک جهانی انجام شد. همچنین، اعتبار نتایج با بازبینی متخصصان حوزه محیط زیست و برنامه‌ریزی شهری در قالب پنل تخصصی تأیید گردید. از نظر منطق استنتاج، این پژوهش استقرایی و تبیینی-تفسیری است. مسیر تحلیل از مطالعه داده‌های جزئی (اسناد و شاخص‌ها) به سوی ساخت الگوی مفهومی کلان حرکت می‌کند. در نهایت، هدف روش‌شناختی پژوهش نه صرفاً توصیف داده‌ها، بلکه تولید مدل مفهومی بومی ارزیابی پایداری محیط زیست شهری در چارچوب اندیشه‌های اسلامی-ایرانی است.

جدول ۱. طرح تلفیقی روش‌شناسی پژوهش

مرحله	نوع داده	منبع داده	روش تحلیل	ابزار تحلیل	خروجی قابل انتظار
۱	متون اسناد و بیانات مقام معظم رهبری	دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR سیاست‌های کلی نظام	تحلیل مضمون و گفتمان	تحلیل مضمون براساس مدل براون و کلارک (۲۰۰۶)	استخراج مضامین کلیدی (عدالت محیطی، اصلاح مصرف، حکمرانی سبز، فرهنگ‌سازی)
۲	شاخص‌های زیست محیطی	دانشگاه ییل، سازمان جهانی بهداشت، آمارنامه رسمی شهرداری‌ها و..	تحلیل ثانویه و تطبیقی	Excel و SPSS	سنجش وضعیت واقعی پایداری محیط زیست شهری ایران
۳	مقایسه مضامین با شاخص‌ها	تلفیق نتایج کیفی و کمی	تحلیل هم‌پوشانی سیاست-شاخص	مدل Policy- Indicator Matching	شناسایی شکاف میان گفتمان سیاستی و عملکرد واقعی
۴	تحلیل تلفیقی نهایی	داده‌های ترکیبی	استدلال استقرایی و مدلسازی مفهومی	ترسیم چارچوب تحلیلی	مدل سه‌لایه بومی-اسلامی پایداری محیط زیست شهری (هنجاری-نهادی-فنی)

#### ۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر حاصل دو مسیر تحلیلی مکمل است: نخست، تحلیل مضمون کیفی اسناد و بیانات مقام معظم رهبری در حوزه محیط زیست و شهرسازی، و دوم، تحلیل کمی داده‌های شاخص‌های زیست‌محیطی کشور در بازه زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۴. هدف از تلفیق این دو مسیر، درک شکاف میان گفتمان سیاستی و واقعیت اجرایی در پایداری محیط زیست شهری ایران و تبیین پیشران‌های کلیدی برای عبور از وضعیت موجود به سمت الگوی اسلامی-ایرانی شهر پایدار است.

##### ۴.۱. یافته‌های کیفی: مضامین گفتمان پایداری محیط زیست شهری در اندیشه مقام معظم رهبری

تحلیل ۴۵ سند، بیانیه و سخنرانی مقام معظم رهبری نشان داد که مفهوم پایداری محیط زیست شهری در اندیشه معظم‌له، نه صرفاً امری فنی یا مدیریتی، بلکه بنیانی معرفتی، اخلاقی و تمدنی دارد. مضمون کاوی انجام شده با بهره‌گیری از الگوی براون و کلارک، چهار محور اصلی را در گفتمان پایداری اسلامی-ایرانی نمایان کرد:

##### ۱. عدالت محیطی و توزیع متوازن فرصت‌های زیست‌پذیر شهری: در این محور، محیط زیست به عنوان «حق

عمومی» و بخشی از عدالت اجتماعی تلقی شده است. رهبری تخریب منابع طبیعی را «تضییع حقوق مردم و آیندگان» دانسته و مدیریت پایدار شهر را در گرو توزیع عادلانه فرصت‌ها (هوای پاک، فضای سبز، آب سالم و انرژی پاک) معرفی کرده‌اند. مضمون عدالت محیطی با بندهای ۲ و ۵ سیاست‌های کلی محیط زیست (۱۳۹۴) و بند ۳ سیاست‌های کلی معماری و شهرسازی (۱۳۹۸) انطباق کامل دارد.

##### ۲. اصلاح الگوی مصرف و بهره‌وری منابع طبیعی و شهری: اصلاح مصرف، در این گفتمان نه یک توصیه اقتصادی،

بلکه یک فریضه اخلاقی و دینی است. از نگاه رهبری، «مصرف بی‌رویه آب، انرژی و زمین، مصداق اسراف و فساد در زمین است» (بیانات، ۱۳۹۵). این رویکرد، مفهومی جدید از بهره‌وری اکولوژیکی ایجاد می‌کند که اساس آن «حداکثر کارایی با حداقل تخریب» است.

##### ۳. حکمرانی سبز و مسئولیت نهادی دولت و شهرداری‌ها: در این محور، اداره شهر به مثابه «امانت الهی» در دست

مدیران معرفی شده است. ایشان در سخنرانی ۱۷/۰۶/۱۴۰۰ تصریح می‌کنند که «مدیریت شهری، اگر از عدالت، نظارت و عقلانیت تهی شود، به تولید ناپایداری منجر می‌شود». بنابراین، در گفتمان رهبری، پایداری زیست محیطی بخشی از نظام حکمرانی عادلانه و پاسخ‌گو است، نه صرفاً وظیفه سازمان محیط زیست یا شهرداری.

##### ۴. فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی و مسئولیت اخلاقی شهروندان: این مضمون با تأکید بر آموزش، آگاهی و مشارکت

اجتماعی در حفاظت از محیط زیست شکل می‌گیرد. رهبری بارها بر نقش مساجد، مدارس و رسانه‌ها در تربیت شهروندان مسئول در برابر طبیعت تأکید کرده‌اند. در واقع، پایداری از سطح سیاست رسمی به سطح «کنش فرهنگی مردمی» گسترش می‌یابد.

بر اساس فراوانی مضامین استخراج شده، سهم هر محور از کل گفتمان پایداری در اسناد تحلیل شده در جدول زیر آمده است:

جدول ۲. مضامین گفتمان پایداری محیط زیست شهری در اندیشه مقام معظم رهبری

ردیف	مضمون کلیدی	درصد فراوانی از کل مضامین (%)	نمونه‌ها
۱	عدالت محیطی و توزیع فرصت‌های شهری	۳۲	«محیط زیست، متعلق به همه‌ی نسل‌هاست؛ تخریب آن، ظلم به مردم و آیندگان است.»
۲	اصلاح الگوی مصرف و بهره‌وری منابع	۲۷	«اسراف در مصرف انرژی، تخریب طبیعت و وابستگی به بیگانگان را در پی دارد.»
۳	حکمرانی سبز و مسئولیت نهادی	۲۳	«مدیریت شهری باید عادلانه، هوشمند و با رویکرد حفظ منابع الهی باشد.»
۴	فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی و اخلاق شهروندی	۱۸	«فرهنگ حفاظت از طبیعت باید از خانواده، مدرسه و مسجد آغاز شود.»

برآیند یافته‌های کیفی نشان می‌دهد که گفتمان زیست‌محیطی رهبری واجد ویژگی‌های خاصی است که آن را از الگوهای رایج جهانی متمایز می‌کند: (۱) بُعد معنوی و اخلاقی پایداری، (۲) پیوند عدالت اجتماعی و عدالت محیطی، (۳) تقدم فرهنگ بر فناوری، و (۴) نگاه تمدنی و بین‌نسلی به محیط زیست شهری.

#### ۴.۲. یافته‌های کمی: وضعیت شاخص‌های پایداری محیط زیست شهری در ایران (۱۳۹۰-۱۴۰۴)

در تحلیل کمی، داده‌های رسمی از دانشگاه ییل (EPI)، سازمان جهانی بهداشت (WHO) و منابع ملی بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه ایران در دهه‌ی اخیر بهبود نسبی در شاخص‌های کلان داشته، اما ناپایداری اکولوژیکی در کلان‌شهرها همچنان محسوس است. میانگین شاخص عملکرد زیست‌محیطی (EPI) ایران از ۴۷ در سال ۲۰۱۰ به ۵۴ در سال ۱۴۰۴ رسیده است؛ رتبه کشور از ۸۲ به ۶۷ ارتقا یافته است. با این حال، شاخص‌های خرد شهری همچون آلودگی هوا، سرانه فضای سبز و سهم انرژی‌های تجدیدپذیر، همچنان از اهداف سندی فاصله دارند.

جدول ۳. شاخص‌های کمی پایداری محیط زیست شهری ایران در مقایسه با استاندارد جهانی

شاخص	وضعیت ایران (۱۳۹۰)	وضعیت ایران (۱۴۰۴)	تغییر	استاندارد جهانی	وضعیت نسبت به هدف
عملکرد زیست محیطی	رتبه ۸۲- امتیاز ۴۷	رتبه ۶۷- امتیاز ۵۴	۷+ امتیاز	میانگین جهانی: ۶۴	کمتر از میانگین
میانگین آلودگی	۴۲	۳۵	بهبود ۷ واحد	استاندارد WHO: ≤ ۱۰	۳.۵ برابر حد مجاز
سرانه فضای سبز	۸.۱	۹.۲	+۱.۱	استاندارد جهانی: ۱۵-۲۰	۴۰٪ کمتر از هدف
سهم انرژی‌های تجدیدپذیر (%)	۰.۶	۱.۳	+۰.۷	هدف ملی ۱۴۱۰: ۱۰٪	بسیار کمتر از هدف
شدت انرژی بخش شهری	۱۱.۸	۹.۹	کاهش ۱.۹	میانگین OECD: ۶	همچنان بالا

نتایج کمی نشان می‌دهد که ایران در مسیر بهبود نسبی قرار گرفته، اما فاصله میان اهداف اسناد بالادستی و وضعیت موجود قابل توجه است. به‌ویژه در کلان‌شهرهای پرجمعیت (تهران، مشهد، اصفهان)، تمرکز آلودگی و کمبود فضای سبز، بزرگ‌ترین مانع تحقق عدالت محیطی شهری محسوب می‌شود.

#### ۴.۳. تحلیل تلفیقی یافته‌ها

تلفیق یافته‌های کیفی و کمی نشان داد که اگرچه گفتمان سیاستی رهبری بر سه محور «عدالت، اخلاق و حکمرانی» استوار است، عملکرد شهری ایران بیشتر در سطح فنی و زیرساختی متوقف مانده و ابعاد فرهنگی-نهادی آن کمتر نهادینه شده است. تحلیل تطبیقی میان گفتمان و شاخص‌ها بیانگر سه سطح هم‌پوشانی است:

- **سطح بالا:** انطباق کامل در حوزه عدالت محیطی و ضرورت هماهنگی نهادی؛
- **سطح متوسط:** هم‌پوشانی نسبی در اصلاح الگوی مصرف و بهره‌وری منابع؛
- **سطح پایین:** شکاف قابل توجه میان فرهنگ‌سازی و رفتارهای زیست‌محیطی واقعی در جامعه شهری.

این شکاف، ضرورت گذار از «مدیریت بخشی محیط زیست» به سمت حکمرانی یکپارچه شهری (Integrated Urban Environmental Governance) را برجسته می‌سازد؛ الگویی که در آن، سیاست‌های محیط زیست شهری نه صرفاً تحت نظر سازمان‌های بخشی، بلکه در قالب شبکه‌ای از دولت، شهرداری، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی به‌صورت هماهنگ اجرا می‌شود.

#### ۴.۴. پیشران‌های پایداری محیط زیست شهری در ایران

در گام پایانی، بر مبنای یافته‌های تحلیلی، مجموعه‌ای از پیشران‌های کلیدی (Drivers) برای تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پایداری محیط زیست شهری شناسایی شد. این پیشران‌ها، عوامل جهت‌دهنده‌ی تحول از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب‌اند و در سه سطح هنجاری، نهادی و فنی طبقه‌بندی می‌شوند:

##### جدول ۴. پیشران‌های کلیدی پایداری محیط زیست شهری در ایران

سطح	عنوان پیشران	محتوای مفهومی و عدالتی	منبع
هنجاری	عدالت محیطی	تضمین دسترسی برابر به هوای پاک، آب سالم و فضای سبز برای تمام شهروندان	سیاست‌های کلی محیط زیست، بند ۲ و ۵
هنجاری	اخلاق زیست محیطی اسلامی	تبدیل حفاظت از طبیعت به وظیفه شرعی و فرهنگی در نظام آموزشی و رسانه‌ای	بیانات رهبری، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰
نهادی	حکمرانی یکپارچه زیست محیطی	تشکیل شورای هماهنگی محیط زیست شهری بین شهرداری، وزارت نیرو و سازمان محیط زیست	سیاست‌های کلی شهرسازی، بند ۷
نهادی	مشارکت مردمی و نظارت اجتماعی	یجاد بسترهای داده‌باز برای رصد آلودگی و مصرف منابع توسط شهروندان	سیاست‌های کلی گام دوم، بند علم و اخلاق
فنی	گذار به اقتصاد سبز و چرخشی	توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، بازیافت هوشمند و حمل‌ونقل پاک	اهداف سند ملی انرژی پاک ۱۴۱۰
فنی	زیرساخت‌های سبز-آبی شهری	احداث کمربندهای سبز، بام‌های سبز و بازطراحی فضاهای عمومی با رویکرد اقلیم‌محور	سیاست‌های معماری، ۱۳۹۸

#### ۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم و سازوکار تحقق پایداری محیط زیست شهری در ایران، بر مبنای گفت‌وگو و اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری، تلاش نمود تا پیوندی میان اندیشه، سیاست و عمل در حوزه حکمرانی زیست محیطی برقرار سازد. نتایج حاصل از تحلیل مضمون و داده‌های تجربی نشان داد که نگاه رهبری به محیط زیست، نگاهی فراتر از حفظ منابع طبیعی و کنترل آلودگی است؛ بلکه محیط زیست در این منظومه فکری، زیربنای عدالت اجتماعی، شاخصی از عقلانیت مدیریتی و نمادی از اخلاق دینی در ساخت تمدن نوین اسلامی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، گفتمان پایداری محیط زیست شهری در اندیشه مقام معظم رهبری بر سه مؤلفه‌ی اصلی استوار است:

۱. عدالت محیطی و بین‌نسلی، به‌عنوان رکن ارزشی و مبنای اخلاقی توسعه شهری،
۲. اصلاح الگوی مصرف و بهره‌وری منابع، به‌عنوان رکن عقلانی و مدیریتی،
۳. حکمرانی سبز و مشارکت اجتماعی، به‌عنوان رکن نهادی و تمدنی پایداری.

این سه مؤلفه، بنیان‌های یک مدل اسلامی-ایرانی پایداری شهری را تشکیل می‌دهند که با مدل‌های سکولار غربی تفاوت بنیادین دارد. در مدل‌های رایج (SDGs و UN-Habitat) پایداری بیشتر بر «مدیریت منابع» متمرکز است، در حالی که در الگوی اسلامی-ایرانی، پایداری بر «مدیریت اخلاق و عدالت» استوار است؛ به عبارتی، توسعه پایدار در گفتمان رهبری نه صرفاً یک برنامه مدیریتی، بلکه حرکتی اخلاقی و تمدنی برای احیای تعادل انسان و طبیعت در بستر ایمان، عدالت و عقلانیت است. تحلیل داده‌های کمی نشان داد که هرچند ایران طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۴۰۴ در شاخص عملکرد زیست محیطی (EPI) از رتبه ۸۲ به ۶۷ ارتقا یافته و آلودگی هوا در برخی شهرها کاهش نسبی یافته است، اما شکاف میان اهداف اسناد سیاستی و وضعیت واقعی پایداری همچنان محسوس است. ضعف در هماهنگی نهادی، پایین بودن سهم انرژی‌های تجدیدپذیر، کمبود فضای سبز و ناکافی بودن مشارکت مردمی از جمله عوامل تداوم ناپایداری است. بررسی تطبیقی میان گفتمان سیاستی و داده‌های واقعی، نشان داد که تحقق کامل اهداف اسناد ابلاغی نیازمند گذار از مدیریت بخشی به حکمرانی یکپارچه زیست محیطی است. در این الگو، پایداری محیط زیست شهری نه صرفاً وظیفه سازمان محیط زیست یا شهرداری، بلکه مسئولیت جمعی تمامی نهادها، از نظام آموزشی تا بخش اقتصادی، محسوب می‌شود. چنین نگاهی، با فلسفه‌ی عدالت‌محور و اخلاقی اندیشه رهبری همخوانی دارد. از منظر راهبردی، تحلیل یافته‌ها بیانگر آن است که سه نوع ناپایداری در نظام مدیریت شهری ایران شناسایی می‌شود:

۱. ناپایداری نهادی (تعدد سازمان‌ها و موازی‌کاری)،
  ۲. ناپایداری فرهنگی (فقدان فرهنگ مصرف و رفتار زیست محیطی مسئولانه)،
  ۳. ناپایداری فضایی-عدالتی (توزیع نابرابر آلودگی و فضای سبز در مناطق شهری).
- عبور از این وضعیت مستلزم تدوین سیاست‌هایی است که بتوانند میان ارزش‌های کلان و ابزارهای اجرایی پیوند برقرار کنند. در این راستا، پژوهش حاضر مدل تحلیلی سه سطحی بومی-اسلامی را پیشنهاد می‌کند که در جدول زیر آمده است.

جدول ۵. مدل سه سطحی بومی-اسلامی پایداری محیط زیست شهری در ایران

سطح	مؤلفه کلیدی	محتوای سیاستی و اجرایی	نقش در تحقق تمدن نوین اسلامی
هنجاری	عدالت محیطی، اخلاق زیست محیطی، مسئولیت بین نسلی	ترویج آموزه‌های دینی در آموزش رسمی و عمومی؛ تدوین منشور اخلاق محیط زیست شهری	شکل‌دهی به مبانی فکری و ارزشی جامعه پایدار
نهادی	حکمرانی یکپارچه، مشارکت اجتماعی، پاسخ‌گویی نهادها	تشکیل «شورای هماهنگی محیط زیست شهری» میان شهرداری‌ها، وزارت نیرو، و سازمان محیط زیست؛ ایجاد سامانه‌های داده‌باز	نهادینه‌سازی عدالت و شفافیت در نظام تصمیم‌گیری شهری
فنی	بهره‌وری منابع، انرژی‌های تجدیدپذیر، اقتصاد سبز و زیرساخت‌های سبز	گسترش با‌های سبز، کمربندهای شهری، مدیریت هوشمند پسماند، حمل‌ونقل پاک	ارتقای کیفیت زیست، کاهش آلودگی و کارایی اقتصادی در مسیر توسعه عادلانه

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پایداری شهری نیازمند تلفیق سه نوع سرمایه است: سرمایه اخلاقی (ایمان و وجدان زیست محیطی)، سرمایه نهادی (سازمان‌های هم‌افزا و شفاف) و سرمایه فنی (فناوری‌های پاک و کارآمد). تعامل میان این سه سرمایه، نیروی پیشران توسعه پایدار تمدنی را در شهرهای ایران شکل می‌دهد. از منظر سیاست‌گذاری، پیشنهادهای کلیدی پژوهش به شرح زیر است:

۱. ایجاد «پیوست عدالت محیطی» در تمامی طرح‌های شهری و منطقه‌ای؛
  ۲. تدوین شاخص ملی پایداری شهری ایران (IUSI) بر مبنای مضامین گفتمان اسلامی؛
  ۳. گنجاندن آموزش زیست محیطی مبتنی بر قرآن و نهج البلاغه در کتب درسی و رسانه‌ها؛
  ۴. گسترش زیرساخت‌های انرژی پاک و حمل‌ونقل سبز در کلان‌شهرها؛
  ۵. ایجاد رصدخانه ملی پایداری شهری برای پایش مداوم شاخص‌ها و نظارت عمومی؛
  ۶. تدوین نظام مشوق‌ها و جرایم سبز برای شهروندان، صنایع و دستگاه‌های اجرایی؛
  ۷. تقویت دیپلماسی محیط زیست شهری برای تبادل تجربه با کشورهای اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی.
- در جمع‌بندی، می‌توان گفت که پایداری محیط زیست شهری در اندیشه مقام معظم رهبری، پروژه‌ای جامع برای بازسازی رابطه انسان، شهر و طبیعت در چارچوب عدالت، عقلانیت و اخلاق اسلامی است. از این منظر، شهر پایدار اسلامی نه تنها محل سکونت، بلکه محل تربیت، عدالت و تعالی انسان در مسیر تمدن نوین اسلامی است.

## ۶. منابع:

۱. حسینی، م. و همکاران. (۱۴۰۲). «تحلیل عدالت زیست محیطی در کلان‌شهرهای ایران». فصلنامه جغرافیا و توسعه پایدار، ۳ (۲۱)، ۴۴-۲۱.
۲. دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳۹۶). مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۳. رضایی، ع. و همکاران. (۱۳۹۹). «تحلیل مکانی سرانه فضای سبز و عدالت محیطی در کلان‌شهر تهران». پژوهشنامه محیط زیست شهری، ۴ (۱۷)، ۶۵-۸۶.
۴. رهبر معظم انقلاب اسلامی. (۱۳۹۴). سیاست‌های کلی محیط زیست جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
۵. رهبر معظم انقلاب اسلامی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
۶. رهبر معظم انقلاب اسلامی. (۱۳۹۸). سیاست‌های کلی معماری و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر مقام معظم رهبری.
۷. سازمان حفاظت محیط زیست کشور. (۱۴۰۲). گزارش سالانه وضعیت محیط زیست ایران. تهران: معاونت پایش و نظارت.
۸. سوزنچی، ح. (۱۳۹۸). فلسفه محیط زیست در اندیشه اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. طیاری دورباش، الف. حیدری، الف. (۱۴۰۵). پایداری محیط زیست شهری در پرتو اندیشه اسلامی-ایرانی. نشریه پژوهش و نوآوری در تربیت و توسعه، ۱-۲۱.
۱۰. قلی پور، م. (۱۳۹۸). ارزیابی شاخص‌های پایداری شهری با تأکید بر کیفیت محیط زیست. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی. ۲ (۲۸)، ۹۱-۱۱۲.
۱۱. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). گزارش تحولات جمعیتی و شهرنشینی ایران. تهران: معاونت آمارهای اجتماعی و جمعیتی.
۱۲. مطهری، م. (۱۳۸۹). انسان و طبیعت در نظام اخلاق اسلامی. تهران: صدا.
۱۳. نادری، م. (۱۴۰۱). «الگوی حکمرانی محیط زیست شهری در ایران». مجله مدیریت شهری ایران، ۲ (۱۳)، ۴۵-۶۸.
۱۴. وزارت نیرو و شرکت توانیر. (۱۴۰۲). آمارنامه انرژی ایران. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری انرژی.

15. Agyeman, J. (2019). *Just Sustainabilities: Policy, Planning, and Practice*. London: Routledge.
16. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.
17. Carmona, M. (2021). *Public Places Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design* (3rd ed.). London: Routledge.
18. Carmona, M. (2022). Urban design and sustainability: Rethinking planning paradigms. *Journal of Urban Planning and Development*, 148(4), 04022034.
19. Geels, F. W. (2018). Disruption and low-carbon system transformation: Progress and new challenges in socio-technical transitions research. *Energy Research & Social Science*, 37, 224–231.
20. Hosseini, M., Shokravi, F., & Naderi, M. (2022). Urban Environmental Justice and Sustainability Challenges in Iran. *Environment, Development and Sustainability*, 24(6), 8653–8670.
21. Heydari, A., & Bakhtar, S. (2018). Analyzing the regional development of Kurdish border cities of Iran using sustainable urban development indices (study area: Kurdistan province). *GeoJournal of Tourism and Geosites*, 23 (3), 797–807.
22. Heydari, A., Janparvar, M., Hosseinzadeh, R., Safaralizadeh, E. and Bakhtar, S. (2025). From Academia to Policy-Making: Challenges and Opportunities for the Engagement of Geography Graduates in National Developmental Decision-Making in Iran. *Human Ecology*, 4(11), 1056-1069. doi: 10.22034/he.2025.548895.1143.
23. IPCC. (2023). *Sixth Assessment Report: Impacts, Adaptation and Vulnerability*. Geneva: Intergovernmental Panel on Climate Change.
24. Kemp, R., Parto, S., & Gibson, R. (2020). Governance for sustainable development: Moving from theory to practice. *Sustainability Science*, 15(2), 331–345.
25. McPhearson, T., Andersson, E., & Elmqvist, T. (2023). Urban ecosystems and nature-based solutions for sustainability. *Nature Sustainability*, 6(4), 347–356.
26. Naderi, M. (2021). Assessing Environmental Sustainability Performance in Iranian Cities. *Sustainable Cities and Society*, 66, 102685.
27. OECD. (2022). *Green Cities and Sustainable Infrastructure*. Paris: OECD Publishing.
28. Ostrom, E. (2010). Polycentric systems for coping with collective action and global environmental change. *Global Environmental Change*, 20(4), 550–557.
29. Sachs, J. D. (2015). *The Age of Sustainable Development*. New York: Columbia University Press.
30. Sardar, Z. (2024). Islamic futures: Re-envisioning sustainability beyond modernity. *Islamic Studies Review*, 19(1), 21–46.
31. UNDP. (2003). *Human Development Report: Millennium Development Goals*. New York: United Nations Development Programme.
32. UN-Habitat. (2022). *World Cities Report 2022: Envisaging the Future of Cities*. Nairobi: UN-Habitat.
33. UN-Habitat. (2023). *Guidelines for Urban Environmental Planning and Justice*. Nairobi: UN-Habitat.
34. WCED. (1987). *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.
35. WHO. (2022). *Global Air Quality Guidelines: Particulate Matter (PM2.5 and PM10)*. Geneva: World Health Organization.
36. World Bank. (2023). *Urban Environmental Management in the Middle East and North Africa*. Washington, D.C.: World Bank Group.
37. Yale Center for Environmental Law & Policy. (2023). *Environmental Performance Index (EPI) 2023*. New Haven, CT: Yale University.